

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ فیروری ۲۰۲۴

ناتو ابزاری در خدمت سلطه امپریالیسم امریکا

جنگ اوکراین که در واقع از سال ۲۰۱۴ با کودتای "مایدان" آغاز گشت یک بار دیگر بر این واقعیت عیان صحنه گذارد که امریکا توسط ناتو زمام امور نظامی، به ویژه در اروپا را در دست دارد.

در تیرماه-سرطان- گذشته جو بایدن اعلام کرد که ایالات متحده امریکا در واکنش به حمله روسیه به اوکراین حضور نظامی خود در سر تا سر اروپا (تکیه از توفان) را افزایش می‌دهد. اودر اجلاس ناتو در مادرید آشکارا گفت: "امریکا حضور نظامی خود را در سر تا سر اروپا افزایش می‌دهد" و افزود: "نیروهای امریکائی در هر سو و در تمام حوزه‌های زمینی، هوائی و دریائی تقویت خواهد شد".

او این تقویت نیرو را به صورت زیر بر شمرد:

- افزایش تعداد ناوشکن‌های نیروی بحری امریکا از ۴ به ۶ در جنوب اسپانیا؛

- ایجاد مقر دائمی برای سپاه پنجم ارتش امریکا در پولند؛

- یک "تیپ چرخشی اضافه" در رومانی متشکل از سه هزار نیروی زمینی و دو هزار پرسنل؛

- استقرار چرخش و تقویت شده نیروها در کشورهای حوزه بالتیک؛

- استقرار دو اسکادران جنگنده اف ۳۵ در بریتانیا؛

- تقویت سیستم‌های دفاع هوائی و قابلیت‌های دیگر در المان و ایتالیا؛

- استقرار کلاهک‌های اتومی امریکا با ۳ برابر بمب اتومی هیروشیما در خاک انگلستان؛

- گفته می‌شود امریکا حدود ۱۰۰ بمب هسته‌ئی بی-۶۱ در کشورهای بلجیم، المان، ایتالیا، هلند و ترکیه نیز مستقر کرده است.

امپریالیسم امریکا در راستای این سیاست تهاجمی عملا سویدن و فنلاند را نیز از بی‌طرفی خارج و به جمع ناتو یا بهتر بگوئیم به زیر سیطره نفوذ خود در آورد.

به علاوه پایگاه‌های نظامی امریکا در اروپا نشان از آن دارند که ناتو برای پیشبرد مقاصد استعمارگرانه و سلطه‌جویانه امریکا، ابزاری بیش نیست. مضافاً این که کنترول جهان از جمله کشورهای عضو ناتو از طریق ماهواره‌ها در اختیار امریکاست.

بهبود افزایش قدرت نظامی ناتو در اروپا، البته حمله روسیه به اوکراین است! اما اگر در این ارتباط کسی از گسترش ناتو تا مرز روسیه و نیز برنامه به عضویت ناتو در آوردن اوکراین، که نتیجه‌ای جز به خطر انداختن امنیت روسیه، از جمیع جهات به بار نخواهد آورد، لب بگشاید به طرفداری از پوتین و حمله نظامی او به اوکراین متهم خواهد شد! برای امپریالیسم امریکا که در دو جنگ جهانی گذشته خود را عملاً از صحنه کارزار به دور نگهداشته و اکنون نیز با تجهیز همه جانبه ناتو - البته از کیسه کشورهای عضو - در نظر دارد از این اتحادیه مخوف و تجاوزگر به مثابه حربه‌ای علیه شرق به ویژه روسیه و چین بهره جوید. شک نیست که در صورت گسترش جنگ میان روسیه و ناتو این مردم کشورهای اروپائی خواهند بود که به مثابه گوشت دم توپ قربانی خواهند شد. در این میان بعد از اوکراین حلقه ضعیف کشور اشغالی المان است که هیچگاه استقلال نداشته و قرارداد صلحی با امریکا نبسته است. به همین دلیل امریکا به راحتی سرنوشت اقتصادی این کشور را به بازی گرفته است. فشار برای تحریم روسیه و قطع تحویل سوخت تا حد انفجار تروریستی لوله‌های "نورد استریم" جهت قطع کامل تحویل گاز روسیه به المان و متعاقب آن فروش اجباری گاز مایع به ۴ برابر قیمت به این کشور که نتیجه‌ای جز ورشکستگی، فرار سرمایه و در نهایت زمین‌گیر کردن اقتصاد و دولت المان صنعتی به بار نخواهد آورد جزئی از نقشه‌های شومی است که امپریالیسم امریکا برای اروپا، به ویژه المان کشیده است.

با شروع جنگ اوکراین المان که شدیداً به نفت و گاز روسیه وابسته بود اقتصادش زیر ضربه‌های خرد کننده قرار گرفت. در اثر قطع عرضه گاز روسیه با فشار تحریم امریکا، سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها یا کاهش یافت و یا بطور کلی قطع شد.

می‌توان به جرات گفت که نبض سرمایه صنعتی اروپا، به ویژه المان به دلیل تصمیمات نابخردانه دولت وابسته به امریکا این کشور به نیش افتاده است.

بسیاری از تولیدکنندگان موادشیمیائی، قطعات فولادی و قطعات خودرو و سایر محصولات صنعتی به علت افزایش سرسام‌آور هزینه‌های برق و سوخت، دیگر تحمل پرداخت آن را نداشته و آغاز به مهاجرت به کشورهای دیگر به ویژه امریکا کرده‌اند. برای نمونه قیمت برق نسبت به دوسال قبل از هر مگاوات/ساعت ۴۰ یورو به ۵۷۰ یورو و گاز به ازای هر مگاوات/ساعت به ۲۴۱ یورو رسیده است که حدود ۱۱ برابر بالاتر از قیمت معمول است. در نتیجه شرکت‌ها یا تولید خود را تعطیل کرده، یا به اجبار قیمت محصولات خود را گران‌تر کرده که در این صورت قدرت رقابت خود را در بازار جهانی از دست می‌دهند و یا موسسات خود را به کشور دیگری کوچ داده‌اند. هم اکنون به علت کاهش تولید مواد شیمیائی در المان به مثابه موتور اروپا، حجم واردات مواد شیمی به این کشور، به ویژه از چین، در سال گذشته ۲۷٪ نسبت به سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

از سوی دیگر به علت امکان هفته‌های کاری کوتاه و دستمزدهای پائین که به هیچوجه هم‌تراز تورم و گرانی موجود نیست، ناآرامی‌ها و اعتصابات در المان و نیز سایر کشورهای اروپائی رو به فزونی است.

برای نمونه شرکت‌های "زودسوکر" (Suedzucker) تولید کننده شکر و "آرובیس" (Aurubis) تولید کننده مس با مشکلات جدی کمبود گاز مواجه‌اند که بر حجم تولید تأثیرات منفی خود را گذارده است. بلومبرگ می‌نویسد: "ادامه روند صعودی قیمت‌ها ممکن است چشم انداز اقتصاد اروپا را تغیر دهد، (تکیه از ماست) بعضی از صنایع تحت فشار شدید قرار خواهند گرفت و در باره تولید در اروپا (تکیه از ماست) تجدید نظر می‌کنند" و احتمالاً به کشورهای دیگر از جمله امریکا و چین مهاجرت می‌کنند. در حال حاضر می‌توان گفت که فرار سرمایه از المان مشغول رکورد زدن است که به تدریج به صنعت زدائی در این قاره پیشرفته نیز خواهد انجامید. اینها همه در خدمت اهداف امپریالیسم امریکا

برای ضربه زدن به رقیب اروپایی است. ناگفته نماند که امپریالیسم امریکا هیچگاه موافق نزدیکی و اتحاد روسیه با المان نبوده است، زیرا که یکی از نظر مواد خام به ویژه مخازن عظیم نفت و گاز و معادن فلزات کمیاب و دیگری در زمینه صنعت و تکنولوژی از امکانات وسیع برخوردار است. چنین اتحادی طبعاً منجر به اقتدار عظیمی می‌شود که از نظر راهبردی سد راه امپریالیسم امریکا به شمار خواهد آمد. هم اکنون اعتراضات سندیکاها از کشاورزان گرفته تا کارگران فلزکار، از لوکوموتور انان راه آهن گرفته تا کارمندان بیمارستان‌ها، پزشکان، کودکان‌ها و... در اروپا، به ویژه در المان در حال اوج گیری است. روندی که مهارش از عهده امریکا خارج است و دست دولت‌های اروپایی به ویژه المان را در پوست گردو نهاده است.

متأسفانه در این کارزار به علت غایب بودن نیروهای کمونیستی، نیروهائی که از یک جانب بعد از جنگ جهانی اول جهانی زیر ضربات سهمگین بورژوازی، به ویژه فاشیسم هیتلری قرار گرفتند و از جانب دیگر به علت خیانت رویونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها، دیگر کمر راست نکردند، نیروهای راست و ناسیونال فاشیست مشغول میوه چینی‌اند. در واقع جنبش کنونی دو لبه دارد یکی رشد مبارزات سندیکائی جهت کسب حقوق پایمال شده و لبه دیگر آن رشد نیروهای دست راستی به ویژه حزب "آ.اف.د." (آلترناتیو برای المان) است که در آشفته بازار فقدان نیروهای انقلابی، از اوضاع نابسامانی که دولت مفلوک المان بوجود آورده است مشغول گرفتن ماهی از آب گل‌آلود نارضائی مردم است. به جرات می‌توان ادعا کرد که علل عمده رشد حزب دست راستی ناسیونال فاشیستی "آ.اف.د." را باید، یکم در عواقبی که سیاست‌های نئولیبرالی ده‌های گذشته به بار آورده است و دوم در سیاست ناکار آمد و خیانت دولت ائتلافی کنونی المان، به ویژه دنباله‌روی از سیاست میلیتاریستی امپریالیسم امریکا که منجر به شکست اقتصادی کشور شده است جستجو کرد. سیاستی که در بست در خدمت اهداف امریکاست. در واقع دولت کنونی المان مجری سیاست راهبردی امریکا است که چیزی نیست جز ترغیب اروپا به ادامه جنگ با روسیه و تخریب و تضعیف هردوی آنها.

آنکه در این میان سرش بی کلاه می‌ماند اروپا و در درجه اول المان است، زیرا که اقتصاد روسیه با رشد بیش از ۳/۴٪ نه تنها تضعیف نشده است، بلکه با ثباتی کم نظیر اکنون قوی‌ترین اقتصاد اروپا به شمار می‌آید. اینکه روسیه قادر گشته است چنین تکامل منفی را، که یک بخش از نقشه‌های شوم امپریالیسم امریکا و هم پیمانان ناتوئی‌اش بوده است، نقش بر آب کند، مدیون جهان چند قطبی است که به یاریش شناخته است. فقط یک فقره آن چین است که از بعد از تحریم‌ها ۲۵٪ بیش‌تر نفت و ۶۲٪ بیش‌تر گاز از روسیه وارد کرده است.

در عین حال در روسیه طی این مدت تولیدات صنایع نظامی و غیرنظامی نیز به طور محسوسی افزایش یافته است. از سوی دیگر روسیه که در دوران اولیه تحریم مشتری‌های خود را پیدا کرده است، با علم به اینکه اروپا به نفت و گاز به اندازه نان شب نیاز دارد، صادرات انرژی خود به منطقه یورو را کاهش داده است. بی‌جهت نیست که "فرانسیسکا پالماس" اقتصاددان ارشد "اکنونمیست کاپیتال" معتقد است که "چشم انداز صنعت المان ناخوشایند است و قدرت دیرینه المان در تولید خودرو نیز در خطر است".

قیمت‌های برق و گاز گرچه نسبت به سال قبل کاهش نشان می‌دهد، ولی همچنان از بسیاری از کشورهای غیراروپایی بالاتر است و باعث کاهش ۲۷٪ از تولید شیشه، کاغذ و مواد شیمیائی از آغاز سال گذشته تاکنون شده است.

روزنامه "بیلد تسایتونگ" المان با حرکت از همین اوضاع است که به دولت المان نهیب می‌زند: "کمک! اقتصاد المان در حال فروپاشی است". گرچه بعضی از کشورهای اروپایی از روی ناچاری، بی‌توجه به تحریم‌ها علیه روسیه تا ۴۰٪ بر واردات گاز از روسیه، از کانال‌های گوناگون افزوده‌اند، ولی دولت وابسته المان کماکان به ارباب وفادار

مانده و گاز مایع فرکینک امریکا را با ۴ برابر قیمت از امریکا می‌خرد و اقتصاد خود را کماکان در منگنه قرار داده است.

آمارها نشان می‌دهند که اتحادیه اروپا نه تنها در اثر تحریم‌های اولیه گاز روسیه از فوریه ۲۰۲۲ تا اکتبر ۲۰۲۳ قریب به ۱۸۵ میلیارد یورو خسارت دیده، بلکه ۱۴ میلیارد یورو به روسیه سود رسانده است.

اشاره به این نکته نیز حائز اهمیت است که امپریالیسم المان در عین فرمانبرداری از برادر بزرگتر، خود نیز در جنگ اوکراین چشم طمع به غارت این کشور دوخته است. جنگ‌های امپریالیستی بر خلاف ادعای کاذب جنگ افروزان و آتش بیاران جنگ، به دلایل آرمان‌گرایانه صورت نمی‌گیرند، بلکه جهت رسیدن به اهداف آزمندانه و سلطه‌جویانه اقتصادی انجام می‌گیرند. دمیدن در آتش جنگ اوکراین توسط دولت میلیتاریستی و جنگ افروز المان نیز از این قاعده مستثنی نیست. هدف، علاوه بر ضربه زدن به امنیت روسیه، البته در خدمت به اهداف اربابش امریکا، در عین حال دستیابی به طعمه‌های "چرب و چیلی" در کشور اوکراین نیز نهفته است. و نه آنطور که ریاکارانه وانمود می‌شود، "نجات آزادی و دموکراسی" در این کشور. هدف دست اندازی بر ذخائر غلات، نیروی کار ارزان و مهمتر از همه منابع عظیم و غنی مواد معدنی، به ویژه "لیتیوم" است که امروز در صنایع شیشه، سرامیک مقاوم در برابر سرما و گرما، آلیاژهای با مقاومت بالا در صنعت فضاپیما و بالاخره باطری‌های با لیتیوم و لیتیوم یون مصرف دارد. به همین دلیل این دولت از آغاز جنگ تاکنون ۳۰ میلیارد یورو به شکم جنگ ریخته و میلیاردها یورو خرج پناهندگان اوکراینی کرده و می‌کند.

برای رسانه‌های این کشور این ارقام و اهداف غارتگرانه‌ای که در پس آن نهفته است مهم نیست و کلامی هم در این زمینه به قلم و زبان نمی‌آورند، بلکه ریاکارانه مدام از "کمک به مردم اوکراین" برای "آزادی و دموکراسی" دم می‌زنند. اینکه در این کارزار مردم اوکراین در اثر ادامه جنگ ناتو با روسیه قربانی این مطامع می‌شوند نیز دل هیچ بورژوائی را به درد نمی‌آورد.

اینکه ترمز بدهی دولت المان عملاً بریده و کوه بدهی از یک طرف و تورم و گرانی از جانب دیگر افزایش یافته و در نتیجه کمک‌های اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و حقوق بازنشستگان کاهش چشمگیر یافته است، اینکه حذف یارانه‌های کشاورزان باعث قیام آنها شده است، اینکه افزایش قیمت برق و انرژی منجر به افول اقتصادی گشته است و... خم به ابروی جنگ افروزان و آتش بیاران جنگ نمی‌آورد. برعکس واکنش آنها در مقابل این همه نابسامانی این بود که کمک نظامی به اوکراین برای ادامه جنگ را از ۴ میلیارد به ۸ میلیارد افزایش داده و ۱۰۰ میلیارد نیز برای تجهیز ارتش جهت آماده ساختن آن برای جنگ اختصاص داده‌اند.

عقل سلیم از فهم این سیاست در مانده است که کشوری که خود غرق در مشکلات مالی عدیده است، در کمک به دولت نئونازی اوکراین این همه سخاوت به خرج می‌دهد. اما گویا طمع سلطه بر اوکراین این ندانم کاری‌ها و حماقت‌ها را توجیه می‌کند!

نقل از توفان شماره ۲۸۸ ارگان مرکزی حزب کارایران اسفند ماه ۱۴۰۲

www.toufan.org